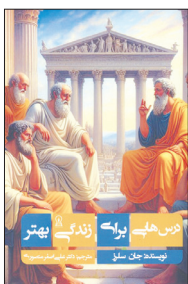


شیرازه

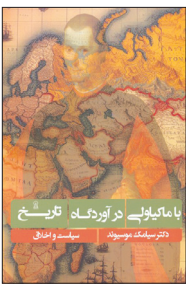
فلسفه برای زندگی و بازخوانی ماکیاولی

شرق: جان سرلزر، محقق تاریخ فلسفه و از استادان گروه فلسفه و علوم سیاسی کالج کینگ در لندن و کالج ولفسون در آکسفورد و نیز از اعضای مؤسس مرکز فلسفه باستان در لندن است. او تحقیقات متعددی در زمینه فلسفه باستان و به‌خصوص فلسفه رواقی انجام داده که توسط انتشارات معتبری به چاپ رسیده است. او در مطالعاتش به فلسفه به‌عنوان روشی برای زندگی توجه کرده، یعنی همان ایده‌ای که توسط پیر هادوت مطرح شد و میشل فوکو نیز به آن توجه داشت. کتاب «درس‌هایی برای زندگی بهتر» ازجمله آثار مشهور او است که اخیرا با ترجمه علی‌اصغر منصوری در نشر اندیشمند منتشر شده است. آن‌طور که مترجم کتاب توضیح داده، موضوع این کتاب نقد و بررسی یا ارائه تاریخ فلسفه به‌طور عام و رواقی‌گری به‌طور خاص نیست، بلکه هدف از تألیف این کتاب ارائه دستورالعمل‌هایی است که بتوان به وسیله آن با زندگی روزمره و مشکلات همیشگی آن به گونه‌ای روبه‌رو شد که باعث شادی و خرسندی و زدودن ناآرامی‌ها از روح انسان شود و به این گونه فلسفه نه به‌عنوان موضوعی غیرقابل فهم یا مخصوص گروهی خاص، بلکه به‌عنوان درسی عملی برای زندگی بهتر و شادتر به کار گرفته شود. نویسنده در آغاز کتاب این پرسش را مطرح کرده که آیا هیچ‌گاه فکر کرده‌اید بسیاری از رنج‌هایی که در زندگی متحمل می‌شوید، ممکن است مربوط به روش اندیشیدن شما در مورد مسائل گوناگون باشد؟ او می‌گوید البته بدیهی است منظور از این رنج‌ها، رنج‌های فیزیکی مانند درد یا گرسنگی نبوده و مواردی مانند اضطراب، ناامیدی، ترس، عصبانیت و نارضایتی‌هایی که زندگی را تیره و تاری می‌کنند، مورد نظر است. با توجه به این، او می‌پرسد آیا فکر کرده‌اید ممکن است کسی بتواند راهی برای رهایی از این رنج‌ها به شما معرفی کند؟ آیا فکر کرده‌اید شاید تمام این رنج‌ها محصول نگاه شما به جهان از منظری اشتباه باشد؟ آیا فکر کرده‌اید شما می‌توانید به اختیار خود و به راحتی از همه این رنج‌ها خلاص شوید؟ جان سرلزر می‌گوید اینها خلاصه دیدگاه‌های سه فیلسوف بزرگ رواقی روم باستان یعنی سنکا، اپیکتوس و مارکوس اورلیوس است که در قرون اول و دوم میلادی می‌زیسته‌اند. او تلاش کرده در این کتاب نشان دهد چه چیزهایی را می‌توان کنترل کرد و چه چیزهایی از قدرت کنترل ما خارج است و خواهیم دید چگونه نحوه فکرکردن ما در مورد امور گوناگون، احساسات و طوکارنگ و مضرب‌ایجاد می‌کند. پس از آن درباره وابستگی‌هایمان به جهان خارج صحبت شده و نشان داده می‌شود که جایگاه ما در این جهان چیست؟ و در آخر نیز با تمرکز بر روی وابستگی‌هایمان به سایر انسان‌ها به نتایجی در مورد شکل‌گیری شادی‌ها و رنج‌های روحی‌مان خواهیم رسید. در این کتاب خواهیم دید که تصویر واقعی فلاسفه رواقی و تفکر غنی آنها بسیار متفاوت از آن چیزی است که به صورت متداول مفهوم شده و بر اساس آن، رواقیون انسان‌هایی بی‌عاطفه و جدا از مردم شناخته شده‌اند و بی‌خواهیم برد که هنوز هم انسان‌ها می‌توانند از افکار آنها، درس‌های مفیدی برای زندگی آموخته و به کمک این درس‌ها، زندگی بهتر و شادتری را تجربه کنند. «ماکیاولی در آوردگاه تاریخ» عنوان کتابی است نوشته سیامک موسیوند که این نیز توسط نشر اندیشمند منتشر شده است. نویسنده در این کتاب پرسش‌هایی درباره ماکیاولی و آرای او مطرح کرده ازجمله این پرسش‌ها که چرا ماکیاولی در آثارش این‌گونه سخن می‌گوید؟ آیا جغرافیای خاص سیاسی زادگاه او موجب شکل‌گیری این افکار شده است؟ آیا وضعیت خاص سیاسی و اجتماعی ایتالیا در آن دوران، تعیین‌کننده چگونگی رویکرد او به مسائل سیاسی بوده است؟ آیا شکل‌گیری این نوع اندیشه به دوران ابتدایی رشد و شکوفایی سرمایه‌داری مربوط می‌شود؟ آیا می‌توان ماکیاولی را از بنیان‌گذاران مدرنیته نامید؟ شاکله این نظرات برآمده از رویکردهای سیاسی است یا برگرفته از خلق‌و‌خوی یک ذهن بیمار؟ آیا ماکیاولی یک تئوریسین سیاسی است یا روان‌پزشکی که خشونت و پلشتی را توجیه می‌کند؟ اصولا آیا پسندیده است روان‌شناسان و برخی اندیشمندان دیگر عبارتی با عنوان اخلاق ماکیاولیستی را به کار برند؟ آیا اندیشه‌های او می‌بایست در چارچوب اخلاق فردی بررسی شود یا اخلاق سیاسی؟ آیا اندیشه‌های او مبدع این نگرش خاص بوده یا بر نظرات پیشینیان افزوده است؟ نویسنده می‌گوید جواب این پرسش‌ها هرچه باشد و هر نظری چه مثبت و چه منفی درباره ماکیاولی داشته باشیم، به آرای بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های سیاسی و اجتماعی باید عرصه سیاست را به دوران قبل و بعد از او تقسیم کرد. پس از او است که سیاست به‌عنوان یک علم، آن‌هم علمی مستقل، مطرح می‌شود. گرچه بخشی از کار ماکیاولی جمع‌آوری و توضیح و تفسیر آرای پیشینیان و طبقه‌بندی آنها بوده، اما او خود نیز به آنها بسیار افزوده است. او درباره این وجه از کار ماکیاولی نوشته: «به هر روی بخش مهم و اساسی کار او علمی‌کردن و قاعده‌مندکردن سیاسی است. این قاعده‌مندی در قالب رهنمودها ارائه می‌شود. در میانه هزاره دوم میلادی اندیشمندان دوران رنسانس با مراجعه به آثار کلاسیک و احیا و بسط اندیشه‌های پیشینیان، کاخ عظیم مدرنیته را بنیان نهادند. ماکیاولی نیز با چنین رویکردی به ندیای سیاست می‌نگرد. در نگاهی اجمالی شاید به نظر برسد ماکیاولی مبدع هیچ اندیشه جدیدی نیست و همان اندرزهای کاتلیا و توسیدید و لیوی را بیان کرده و در بسیاری موارد تنها آنچه را پیشینیان گفته‌اند شرح و بسط داده، اما با واکاوی اندیشه‌هایش درمی‌یابیم که کار شگرف او تنها محدود به این امر نبوده است. آنچه اندیشه‌های ماکیاولی را در‌خور اهمیت کرده، تأثیر این اندیشه‌ها بر روند تحولات اجتماعی و سیاسی به‌خصوص در دوران مهم رنسانس و عصر روشنگری است. در این میان مهم‌ترین دستاورد ماکیاولی قاعده‌مندکردن سیاست است. شاید بتوان اندیشه ماکیاولی را تکمیل‌کننده نگاه واقع‌گرایانه به سیاست دانست؛ دیدگاهی که آرام‌آرام در طول تاریخ شکل گرفته بود. شایان ذکر است قبل از ماکیاولی و در همین راستا اندیشمندان بزرگی به سیاست کمابیش همین‌گونه نگریده بودند اما کار ماکیاولی از این نظر ارزشمند است که او نخستین کسی است که سیاست را به‌عنوان یک علم مستقل مطرح کرد و مورد ارزیابی قرار داد.»



درس‌هایی برای زندگی بهتر

جان سرلزر
مترجم علی‌اصغر منصوری
نشر اندیشمند



با ماکیاولی در آوردگاه تاریخ

سیامک موسیوند
نشر اندیشمند

به مناسبت درگذشت اسماعیل کاداره

مرگ راوی استبداد

اسماعیل کاداره، مشهورترین نویسنده آلبانی و نویسنده

و شاعری که او را اغلب با رمان‌هایی ضد استبدادی‌اش می‌شناسند، در ۸۸سالگی درگذشت تا به این ترتیب ادبیات جهانی یکی دیگر از نویسندگان شاخص معاصر را از دست بهد.

کاداره سال‌ها در وضعیت استبدادی آلبانی زندگی کرد و مثل بسیاری دیگر از نویسندگان و روشنفکران هم‌سروشش، تن به مهاجرتی اجباری داد و از فرانسه تقاضای پناهندگی سیاسی کرد. او ادبیات را عرصه مقاومت در برابر استبداد می‌دانست و معتقد بود همه چیز می‌تواند کنشی مقاومتی باشد.

کاداره در این سال‌ها بارها به‌عنوان نامزد نوبل ادبی مطرح شده بود و البته هیچ‌وقت برنده این جایزه نشد.
بالین‌حال، او جوایز متعددی به دست آورده بود، از جمله اینکه در سال ۲۰۰۵ اولین نویسنده‌ای بود که جایزه ادبی بوکر بین‌المللی را به خاطر مجموعه آثارش به دست آورد.

اسماعیل کاداره در ۲۸ ژانویه ۱۹۳۶ در جیروکاستر در جنوب آلبانی متولد شد. او در مصاحبه‌ای گفته بود همیشه دوست داشته نویسنده شود، از ۱۰سالگی «مکتب» می‌خوانده و عاشق داستان‌های ارواح و اشباح بوده است. کاداره تحصیلات دانشگاهی‌اش را در دانشگاه تیرانا پشت سر گذاشت و پس از آن مطالعات ادبی‌اش را در انستیتو گوگرکی مسکو ادامه داد. با بروز اختلاف بین کشورش و اتحاد جماهیر شوروی در پایان سال ۱۹۶۰ از این کشور خارج شد، اما تأثیری که از فرهنگ روسی گرفته بود تا پایان عمرش با او باقی ماند.

اگرچه کاداره بیشتر به‌عنوان رمان‌نویس شناخته می‌شود، اما خیلی زود و در ۱۸سالگی نخستین دفتر شعرش با عنوان «اشعار جوانی» را منتشر کرد. او پس از بازگشت به آلبانی، مجموعه شعر دیگری با نام «قرن من» هم منتشر کرد، اما عمده شهرتش به خاطر رمان‌هایی است که از او منتشر شده. «ژنرال ارتش مرده» عنوان نخستین رمان کاداره است که در سال ۱۹۶۳ به چاپ رسید. کاداره در دوره‌ای که در شوروی اقامت داشت، پنج سال را صرف نوشتن و بازنویسی این رمان کرد و پس از انتشارش شهرتی جهانی به دست آورد. این رمان روایت ژنرالی ایتالیایی است که بعد از جنگ جهانی دوم، به آلبانی بازگشته تا اجساد سربازان ایتالیایی را که در آنجا کشته شده‌اند پیدا کند و برای مراسم تدفین به ایتالیا منتقل کند. این رمان پس از انتشار به زبان‌های متعددی ترجمه شد و در آن



پیام حیدرقزوینی

دوره به‌خصوص در فرانسه با استقبال زیادی روبه‌رو شد.

سه سال پس از این، کاداره رمان «طل‌های باران» را در ۱۹۷۰ منتشر کرد؛ این رمانی است که به وقایع قرن پانزدهم و مبارزه با اشغالگری عثمانی مربوط است. در سال ۱۹۷۱ رمان «رویدادهای شهر سنگی» یا «هبوط شهر سنگی» را منتشر کرد و در آن به روایت دوران کودکی‌اش در شهر زادگاهش در دوران جنگ پرداخت. رمان «زمستان سخت» در ۱۹۷۳ به چاپ رسید و کاداره در آن به روایت جدایی بین کشورش و اتحاد جماهیر شوروی توجه کرد. چند سال پس از آن نیز او دوباره در رمانی دیگر با نام «غروب خدایان استپ» به همین موضوع پرداخت.

اما دهه ۷۰ میلادی سرآغاز دورانی تازه در کار اسماعیل کاداره بود. او در این دوره پیگیرانه نسبت به مسئله استبداد موضع گرفت و در آثارش به ماهیت استبداد توجه کرد. رمان‌های «آوریل شکسته» یا «آوریل نافرجام»، «پلی با سه طبق» و «چه کسی دورتین را بازگرداند؟» از آثار این دوره از کار کاداره به‌شمار می‌روند که البته موجب شد انتشار آثارش هم ممنوع نشود. از این به بعد به دفعات چاپ آثار کاداره با مانع روبه‌رو شد تا اینکه در نهایت او به فکر ترک کشورش افتاد تا امکان کارکردن و انتشار کتاب‌هایش را داشته باشد. کاداره

سپس رمانی درباره مواهب استقلال آلبانی منتشر کرد. «آوریل شکسته» که مربوط به این دوره از کار کاداره است، ازجمله آثار او است که به فارسی هم ترجمه شده. قاسم صنعوی این کتاب را ترجمه کرده و در ابتدای کتاب مقاله‌ای از نیکول شاردن هم آورده است که او در بخشی از آن نوشته که کاداره «کشورش را تا گذشته‌های دورش دوست می‌دارد. سخنگوی ملتی است که پیوسته با اشغالگر مبارزه کرده است. کاداره استاد استعاره و کنایه است. در خلال سبکی ساده، بی‌پیرایه، موجز، و تصاویری که گاهی وهم‌آور و هذیان‌آمیز است و تا مرزهای جنون پیش می‌رود، تابلوی تاریخی و



اجتماعی گسترده‌ای از آلبانی ترسیم می‌کند». او همچنین در جایی دیگر از این مقاله نوشته که کاداره در همه آثارش تلاش کرده به زندگی کشور خود نزدیک شود و آن را درک کند؛ آثاری که در آن واحد از تاریخ، قصه، وقایع و سرگذشت مردم‌شناختی نشان دارند. او داوری نمی‌کند و نقل می‌کند و برای این کار از وضعیت کشورش، استبداد و ستم و در سویی دیگر مقاومت و طغیان الهام می‌گیرد.

رمان «زمستان سخت» که با ترجمه مهستی بحرینی به فارسی منتشر شده، از مهم‌ترین آثار کاداره به‌شمار می‌رود. بحرینی در بخشی از مقدمه‌اش درباره نقش و جایگاه کاداره به این نکته اشاره کرده که او سال‌ها یگانه پیام‌آور کشوری محدود و بسته بود؛ کشوری که نه کسی به آن سفر می‌کرد و نه چیزی درباره آن می‌دانست. او درباره ویژگی‌های رمان «زمستان سخت» هم نوشته که روایت این اثر «گرچه از یک واقعه تاریخی مشخص، قطع رابطه آلبانی و شوروی سابق در سال ۱۹۶۱، الهام گرفته است و به‌ظاهر رنگ و بوی سیاسی دارد، به‌هیچ‌روی نباید در چارچوب رمان سیاسی محدود شود؛ زیرا در این اثر، نویسنده به شیوه همیشگی خود با حفظ درونمایه اصلی، مسائل گوناگونی را مطرح می‌کند که گرچه در بادی امر چندان ربطی به داستان ندارند، مانند جوی‌های منشعب از سرچشمه‌های مختلف، سرانجام به هم می‌پیوندند و نه‌ری سیال و جوشان پدید می‌آورند. از همین روست که رمان‌های کاداره را رمان سمفونیک می‌نامند. او تنها به شرح دگرگونی تاریخی و سیاسی ناشی از قطع رابطه آلبانی و شوروی سابق نمی‌پردازد، بلکه این دگرگونی را در زندگی فرد فرد مردم دریایی می‌کند. گویی به موازات گسستن دو کشور از یکدیگر، زندگی خصوصی افراد نیز دچار گسستگی شده است. زمستان ۶۱ برای همه آلبانیایی‌ها از پیر و جوان، شهری و کوه‌نشین، بزرگوای سابق و انقلابی سرسخت، فصل به‌هم‌ریختگی و آشفتگی است. با این همه نویسنده از این آشفتگی‌ها هراسی به دل ندارد و نشان می‌دهد که چگونه یک کشور کوچک، با تکیه بر نیروی مردم می‌تواند به جنگ ابرقدرت‌ها رود و از معرکه بیرون برود. در آید. منتقدان به زمستان سخت، جنگ و صلح زمان ما لقب داده‌اند.»

«ژنرال ارتش مرده»، «عقاب»، «مهتاب»، «کاخ رویاها» و «دختر آکامنون» برخی دیگر از آثار کاداره است که به فارسی ترجمه شده‌اند.



مک‌کارتیسم به روایت میلر

میلر می‌گوید از ویژگی‌های شخصیتی اغلب اشخاص واقعی این رویداد چیز زیادی نمی‌دانیم، مختصر اطلاع ما از دل چند نامه، اسناد دادگاه، برخی انتقادهای مکتوب همان زمان و ارجاع‌هایی است که در منابعی با درجات مختلفی از اعتبار به اخلاق و رفتار آنان شده. پس، یا به آنچه در این متن اشاره شده

باید اعتماد کرد یا آنها را زاده تخیل میلر دانیم. میلر می‌گوید بهترین توشان را به کار گرفته تا آنها با آنچه از رفتارشان ثبت شده، هماهنگ شوند.

اولین اجرا از «بوته آزمایش» برنده جایزه تونی شد و اجراهای پرشمار دیگری که از آن شده، این نمایش‌نامه را به یکی از محبوب‌ترین آثار ادبیات نمایشی آمریکا بدل کرده است.

در بخشی از این نمایش‌نامه می‌خوانیم: «خوشم یا تنم؟ می‌دونستم! گودی آزرین سه شکم قابله من بود. چقدر التماس‌ت کردم، تامس، یادته؟ التماسش کردم آزرین رو صدا نکنه، چون ازش می‌ترسم. بچه‌های من هر بار توی دست‌های اون پژمردند!

هیل: شجاع باش، تو باید اسم همه‌شون رو به ما بگی. دلت چه جوری طاق‌ت می‌آره رنج‌بردن این بچه رو تماشا کنی؟ نگاهش کن، تیتویا. این طفل معصوم خدارو نگاه کن؛ روحش متنشنجه، باید کمکش کنیم، تیتویا؛ شیطان اون بیرون منتظره تا مثل موجود درنده‌ای که بالاسر بره در دام افتاده وایستاده، شکارش کنه. خدا ازت راضی می‌شه اگه کمک کنی.»

«سقف کلیسای جامع»، «نوعی داستان عاشقانه»، «سرازیر در کوه مرکن»، «مرگ فروشنده»، «پس از سقوط»، «همه پسران من» و «چشم‌اندازی از پل» از دیگر آثار میلر است که در این مجموعه از سوی نشر بیدگل منتشر شده است.

عطف

گسیختگی‌های زندگی شهری

شرق: «ضربه آرامی به در زده شد و در اتاق جلسه باز شد. بازرس اینتسورو تاککامی صندلی فلزی‌اش را روی زمین کشید تا از جایش بلند شود. قبل از اینکه بتواند دهان باز کند و چیزی بگوید، شیکاگو ایشوزو گفت: زمان خیلی زیادی گذشته. سرکار خانم شیکاگو ایشوزو کنار در ایستاده و سرش را به نشانه ادب پایین انداخته بود. وقتی دوباره سر بلند کرد، چهره‌اش بشاش بود و اثری از رعایت تشریفات رسمی ناشیانه در رفتارش وجود نداشت. تاککامی کمی بلند داخل اتاق را دور زد و به آن سو رفت تا به شیکاگو خوشامد بگوید؛ سپس با لبخندی گرم و صمیمی گفت: بیشتر از پونزده سال شده، کارآگاه توگونگا به تبعیت از جایش بلند شد و با کتجواوی به مکالمه‌شان گوش سپرد. پلیس زن جوانی که همراه شیکاگو وارد اتاق شده بود، یک قدم عقب رفت و با حالتی خشک و رسمی، صاف و بی‌حرکت ایستاد. آشکارا مضطرب شده بود». این آغاز رمان «کاربر ناشناس» از میوکی میابه است که اخیرا با ترجمه فاطمه شهبانی‌نژاد در نشر خزان منتشر شده است.

مترجم کتاب در مقدمه‌اش به این موضوع اشاره کرده‌که ادبیات ژاپن در سال‌های اخیر مخاطبان زیادی داشته و در ایران نیز توانسته طرفداران خودش را پیدا کند. او نوشته که نویسندگان معاصر ژاپنی بیشتر به زندگی اجتماعی و دغدغه‌های انسان می‌پردازند و معمولاً خوانندگان زیادی را هم با خود همراه می‌کنند.

رمان «کاربر ناشناس» در سال ۲۰۰۱ منتشر و سه سال پس از آن به زبان انگلیسی ترجمه شد. نویسنده کتاب زنی نویسنده است، برنده معتبرترین جایزه ادبیات خوش‌خوان ژاپن یعنی جایزه نانوکی شده است. او در رمان «کاربر ناشناس»، رمز و رازهای هویت مدرن ژاپنی را دستمایه‌اش قرار داده و خواننده را به دنیای اتاق‌های گفت‌وگوی اینترنتی می‌کشاند. سبک معماگونه، پلیسی و البته روان‌شناسانه داستان که ریشه در دنیای مجازی دارد، مخاطب را تا پایان روایت با خود همراه می‌کند و در آخر حقیقتی غیرمنتظره را پیش‌روی خواننده می‌گشاید.

«کاربر ناشناس» روایتی است درباره شکست‌ها و گسیختگی‌هایی که خانواده‌ها در هر فرهنگ مدرن شهری می‌توانند با آنها روبه‌رو شوند. در بخشی از این رمان می‌خوانیم: «می‌شد تصور کرد که شکست‌کننده در حضور نگهبان و با حفظ امنیت خانواده، منتظر مانده است اما توجه بازرسان تا آن زمان فقط به دوشیزه آ معطوف مانده و هیچ‌کس سرنخ جدید را که همان تعقیب‌کننده بود، در نظر نگرفته بود. اگر همان مرد مرتکب جنایت شده باشد، با توجه به اینکه مدتی آفتابی نشده و به اعتراف خود کارومی حتی او هم فراموشش کرده بود، پس چرا باید به جای نزدیک شدن به کارومی به پدرش حمله کند و او را بکشد؟ اصلا با عقل جور در نمی‌آمد، مدارکی که علیه دوشیزه آ وجود داشت، ظاهرا قانع‌کننده‌تر بود.»

مترجم کتاب «کاربر ناشناس» در بخشی دیگر از مقدمه‌اش درباره ویژگی‌های این اثر به این نکته اشاره کرده که پرداخت خوب شخصیت‌ها در این کتاب به خواننده کمک می‌کند تا آنها را درک کرده و بتواند با شخصیت‌ها ارتباط برقرار کند؛ چنین ارتباطی به سبب فضای روان‌شناختی و متهورانه داستان و به چالش کشیدن نیازهای جامعه مدرن، تصویری جذاب و درعین‌حال غافلگیرکننده به مخاطب ارائه می‌دهد.



کاربر ناشناس

میوکی میابه
فاطمه شهبانی‌نژاد
نشر خزان